



۲۰۱۸/۰۹/۱۲

م، نعیم بارز

## تبصره ای بر کتاب آقای سپنتا، «سیاست افغانستان، روایتی از درون»!

کتاب دو جلدی بیش از یک هزار صفحه ای دوکتور رنگین داد فر سپنتا، نه تنها از دوران کار خودش به حیث وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی افغانستان مطالب زیاد و ارزنده را ارائه داشته بلکه در بر گیرنده مسایل سیاسی و رویداد های مهم چهل سال اخیر کشور بوده که از جنبش به اصطلاح روشنفکری و جریان های سیاسی چپ و راست گرفته تا کودتا ها، تجاوز نظامی شوروی سابق در افغانستان، مقاومت مردم علیه آن، دخالت دولت های همسایه و قدرت های بزرگ در راس دولت ایالات متحده امریکا و فعالیت های تروریستی سازمان القاعده؛ واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ در امریکا؛ سقوط حاکمیت طالبان و تشکیل دولت تحت رهبری حامد کرزی و بالاخره نقش گروه ها و نخبگان داخلی و روابط دیپلوماسی با دولت های در گیر در موضوع جنگ و تروریسم نیز مطرح گردیده اند.

دوکتور سپنتا که به قول خودش از ایل طاهریان هرات بوده، مکتب ابتداییه را در زادگاهش در ولسوالی کروخ و لیسه را در شهر هرات به پایان رسانده بعد در کابل شامل فاکولته حقوق گردیده و از همانجا از صنف اول علاقه به سیاست گرفته و بوسیله آقای کریم پاکزاد که به حیث اسپستان تدریس می نموده به جریان شعله جاوید جذب گردیده و به این لحاظ با شناخت از جریان ها و بعضی سران و نخبگان سیاسی کشور در کتاب خود نام برده و از نوع فعالیت های سیاسی شان یاد آور شده است.

آقای سپنتا با استفاده از یک بورس تحصیلی به ترکیه رفته در آنجا در رشته حقوق و علوم سیاسی به تحصیل پرداخته و خارج از ساحه تحصیل با جریان های سیاسی ترکیه نیز در تماس و فعالیت قرار گرفته و در زمان تجاوز شوروی چند بار به پاکستان و افغانستان سفر کرده است.

سپنتا در سال ۱۹۸۲ از ترکیه به شهر فرانکفورد المان رفته و در آنجا با آشنایی و رهنمایی نجیب روشن شهر آخن المان را برای تحصیل و ادامه زندگی انتخاب کرده و به گفته خودش در سال ۱۹۸۳ که قبلاً عمیقاً به ایدئولوژی کمونیست شک پیدا کرده بود در سال ۱۹۸۳ آشکارا تغییر جهت داده به دیموکراسی خواهی و اصلاح طلبی رو آورده و ایدئولوژی های انقلابی را ترک کرده است، سپنتا به سال ۱۹۸۷ در کورس زبان المانی در دانشگاه آخن المان ثبت نام کرده و پس از تقویه زبان به ادامه تحصیل پرداخته، علم سیاست رشته اصلی و رشته های جانبی وی جامعه شناسی

و همکاری اقتصادی و تکنیکی بین المللی بوده است. او در سال ۱۹۸۹ پس از تقویه زبان المانی وارد کار دوکتورا شده و در سال ۱۹۹۱ از رساله ای دوکتورای خود دفاع کرده، موضوع رساله دوکتورای وی فرایند عقب ماندگی، جنگ و مقاومت در افغانستان بوده و پس از آن مدت چهار سال به حیث استاد تمام وقت در همین انستیتوت کار کرده است. سپنتا در جریان همان سال ها چندین کنفرانس را در رابطه با افغانستان در المانگزار و آن را رهبری کرده. « اتحاد دیموکراسی برای افغانستان » را که یکی از سازمان های ایجاد کننده اتحاددیموکراسی بوده به عهده داشته و به عنوان سخنگوی انتخابی این شورا شخص فعال بوده است.

سپنتا پس از سقوط رژیم طالبان و کنفرانس بن و تشکیل دولت، چند سال بحیث وزیر خارجه و سپس بحیث مشاور امنیت ملی تا اخیر دور اول و دوم ریاست جمهوری آقای کرزی از نزدیک با وی همکاری صادقانه داشته است.

آقای سپنتا بار ها در کتاب خود از جناب کرزی به صفت یک شخصیت آگاه ملی ذکر نموده و از مذاکرات صریح و قاطع وی در دفاع از موضع منافع ملی اش با سران دولت های خارجی و بل اخص رهبران دولت ایالات متحده امریکا و شخص رئیس جمهور اوباما نقل قول های آورده است.

البته سپنتا تیوری توطئه از سوی امریکا را در افغانستان رد می کند اما در بسی موارد از جمله در باره سیاست های کلان از آن جمله مخالفت به ادامه جنگ و روش مبارزه با تروریسم در افغانستان و تلاشی خانه های مردم از سوی عساکر امریکایی و کم بها دادن و فشار لازم وارد نکردن امریکا بر دولت پاکستان با آقای کرزی همنا و موافق بوده و همچنان نسبت به دخالت های بی شرمانه پاکستان در افغانستان و چشم پوشی امریکا از مراکز تربیت و بسیج تروریسم توسط اردوی پاکستان با کرزی هم نظر بوده است، که با همین ذهنیت هیچگاه تا اخیر کرزی حاضر نشد توافق نامه پایگاه های نظامی امریکا را در افغانستان امضا نماید. این موضع برحق و سرسختانه کرزی رهبران امریکا را واداشت تا در دور دوم ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ بجای کرزی داکتر عبدالله را به کرسی نشانند ولی با هر سعی و تلاشی موفق نشدند بعد از کرزی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ با دخالت های بسیار بی شرمانه از داخل و خارج چنان جار و جنجال خلق گر دید که حتی قانون اساسی کشور را نادیده گرفته شد و زیر نام «حکومت وحدت ملی» یک مقام دیگری را بنام رئیس اجرائی، دولت را به دو قسمت متخاصم تقسیم کردند که به اصطلاح اگر رئیس جمهور اشرف غنی «زبیل» گوید، در تناقض با آن داکتر عبدالله به حیث رئیس اجرائیه «بم» گوید و بدین ترتیب روز بروز به رشد بحران های مختلف در کشور افزوده اند.

به قول سپنتا، کرزی به ادعای صلح خواهی امریکا در افغانستان به دیده شک و تردید می دیده و سیاست آن کشور را در افغانستان و منطقه تیوری توطئه می دانسته. ولی آقای سپنتا تیوری توطئه را از سوی امریکا در قبال افغانستان رد کرده و آن را اشتباه و یکی از بر داشت های نادرست کرزی می داند.

سپنتا در مورد سوی ذهن بیش از حد کرزی در باره مواضع صلح خواهی و ختم جنگ رهبران دولت امریکا و گاه خوش بینی های زیاد نسبت به رهبران پاکستان در جهت پیش گرفتن راه صلح در افغانستان این ذهنیت را سپنتا بیشتر از هر چیز ناشی از توطئه های همکاران نزدیک کرزی از جمله رئیس دفترش عبدالکریم کریم خرم و ایمل خان فیضی سخنگوی رئیس جمهور می داند.

با این حال سینتا چند سال بحیث وزیر خارجه و سپس بحیث مشاور امنیت ملی تا اخیر دور اول و دوم ریاست جمهوری آقای کرزی از نزدیک با رئیس جمهور همکاری صادقانه داشته است.

من در اینجا برای صحت و سقم گفته های حال و نوشته های گذشته خود در باره آقای کرزی و سیاست های سر درگم امریکا و راه اندازی فعالیت های تروریستی پاکستان در افغانستان، اینک از یک بخشی کتاب «سیاست افغانستان، روایتی از درون جلد اول صفحه ۵۲۳ الی ۵۵۵ به ذکر چند مثال نقلاً می پردازم:

۱- «صفحه ۵۲۳» در واشنگتن تا پائیز سال ۲۰۱۳ میلادی همه در پی آن بودند که دوران زمام دارای کرزی زودتر به پایان برسد و گمان می کردند که آنگاه مشکلات آنان در افغانستان حل خواهد شد. افغان های که در واشنگتن با برخی از سیاست مداران امریکایی آشنایی داشتند، نیز به این تصور دامن می زدند. دوکتور عبدالله و دوکتور اشرف غنی هر دو کمپنی های لابی را با پرداخت پول بسیج کرده بودند تا در این راه فعالیت کنند، کمتر کسی تمایل به نقد اشتباهات و استراتژی نا کار آمد ایالات متحده در امر مبارزه با تروریسم نشان می داد. بدون شک که با استراتژی مدارا جویانه ای ایالات متحده و پاداش دهی مداوم به منبع و حامی تروریسم پاکستان امکان پیروزی بر تروریسم نمی توانست به واقعیت بپیوندد، حتی اگر چندین حکومت دیگر نیز در افغانستان تغییر کند و پاکترین فرزندان این کشور و آنانی که به مصیبت قوم و تبار و تعصب نیز آلوده نیستند، رهبری حکومت را بر عهده بگیرند، بدون مبارزه با منبع یعنی پاکستان و نمایش قدرت در برابر آن، امکان پیروزی بر تروریسم که به استقرار دیموکراسی و عدالت اجتماعی در یک نظام مبتنی بر حقوق منجر شود، میسر نخواهد بود»

۲- «صفحه ۵۲۵» وزیر خارجه ایالات متحده، جان کری بتاريخ ۲۴ اپریل ۲۰۱۳ برای دیدار در افغانستان به کابل آمد، با این که رئیس جمهور کرزی از وی با حرمت استقبال کرد، اما به وی هیچ اعتماد نداشت و او را آدمی که به آسانی دروغ میگوید و جانب دار پاکستان است، میدانست. جان کری در سال ۲۰۰۹ زمانیکه رئیس کمیسیون روابط خارجی سنای امریکا بود برای اقناع کرزی به برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سوگند یاد کرده بود که دور دوم انتخابات برگزار خواهد شد مشروط بر اینکه کرزی از اعلام پیروزی در دور اول صرف نظر کند. کرزی در باره برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شکهای جدی داشت. تجربه نشان داد که وی حق داشت و جان کری که سوگند یاد کرده بود و بسیار آشکارا نشان میداد که نمایندگی ملل متحد در افغانستان هیچ کاره است و این سفارت امریکا است که روی شمارش صندوق ها تصمیم میگیرد. هیچ تلاشی برای برگزاری دور دوم انتخابات نکرد.

وی در یک مهمانی در اقامتگاه کرزی گفت که «جنرال کیانی به وی گفته است که ملا عمر در کراچی است» و وقتی کرزی از او پرسید که «شما چندین میلیون دالر برای دستگیری و یا کشتن وی تعیین کرده اید، پس چرا از کیانی نخواستید تا او را دستگیر کند؟» کری گفت که کیانی گفته است که آن ها ملا عمر را به خاطر گفتگو های صلح دستگیر نمی کنند» در باره گفتگو ها در پاریس کنفرانسی سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و امریکا در مقر نمایندگی ایالات متحده در بروکسل در آن آقای کری بسیار موضع جانبدارانه از پاکستان داشت.

در بخش گفتگو های صلح بر می گردم. در همه حال جان کری نیز که زیر تاثیر تبلیغات لابی های پاکستانی و افغان های دارای داعیه ای ریاست جمهوری قرار داشت موضوع برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در صدر صحبت های خود جا داد...»

۳- «صفحه ۵۲۸ : رونوشت یک جلسه میان سفیر ایالات متحده ای امریکا در اسلام آباد و مقام های پاکستانی از طریق امکانات استخباراتی به دست ما رسیده بود که در آن ایالات متحده امریکا و پاکستان روی داشتن یک استراتژی مشترک در افغانستان و تجرید حامد کرزی رئیس جمهور با هم بحث می کردند. کرزی در ملاقات یک روز پیش خود رونوشتی از این سند را در اختیار وزیر خارجه ایالات متحده که سخت غافل گیر شده بود قرار داد، کری فقط گفت: «البته کسانی در اسلام آباد هستند که می خواهند با گروه ها در افغانستان گفتگو کنند» این بحث به این دلیل اهمیت پیدا می کند که در آستانه همین گفتگو ها بود که زیر نام ملاقات میان نیروهای غیر دولتی، اپوزیسیون و مانند آنان در پاریس کنفرانسی بر گزار شده بود. از افغانستان نیز یک عده از شخصیت های سیاسی شرکت کرده بودند و در چنین کنفرانسی که بر گزار کنندگان آن در پی بر گشتاندن افغانستان به اوضاع پیش از کنفرانس بن ۲۰۰۱ بودند روی آینده افغانستان بحث صورت گرفته بود. ما دقیقاً اطلاع داشتیم که حلقه هایی به شمول برخی از اعضای کنگره ای امریکا در پی بر گزاری دور دوم این گفتگو ها در بر لین استند تا گفتگو ها های صلح را از گفتگو بین دولت افغانستان به گفتگوی میان گروه ها برای تقسیم قدرت تبدیل کنند. تنها سیاست مدار افغان برون از حکومت که در این رابطه موضع قاطع، روشن و دفاع از دولت افغانستان گرفت امرالله صالح رئیس قبلی امنیت ملی افغانستان بود. صالح گفته بود که « افغانستان نمی تواند به اوضاع پیش از ۲۰۰۱ برگردد. اگر کسی می خواهد با افغانستان گفتگو کند باید با دولت افغانستان گفتگو کند.

۴- «صفحه ۵۳۶ امریکا و جان کری پذیرفته بودند که افغانستان باید نقش تعیین کننده ای پاکستان را در افغانستان قبول کند و افغانستان در چوکات چنین مناسبات نا متعادل قدرت با پاکستان روابطش را سامان بدهد. ما با اینکه با داشتن رابطه عمیق و حتی استراتژیک با پاکستان مخالف نبودیم می دانستیم که شرایط طوری که ما می خواهیم برای داشتن چنین روابطی آماده نیست، ما نمی خواستیم به جدال های پاکستان با هند کشیده شویم، ما نمی خواستیم تا کشور ما ژرفای استراتژیک جنگ میان هند و پاکستان باشد، ما نمی خواستیم سر زمین ما مهد پرورش جهاد یان کشمیری، عربی و یا هر جهادی دیگری باشد»

۵- «صفحه ۵۳۶ : سپینتا من : به این توهم بودم که شاید امضای قرار داد امنیتی به عنوان نمایی از قدرت و اراده به مقاومت در برابر پاکستان و طالبان موجب شود تا جنگ ها کاهش یابند و آمادگی برای گفتگو های صلح بیشتر شود اما چنین نشد، به دلیلی چنین نشد که امریکایی ها از آن به مثابه فرصتی برای تاکید و اراده شان برای ترک افغانستان و ننگیدن با طالبان و حمایت از پاکستان استفاده می کردند و در نهایت قرار داد امنیتی عملاً به یک مترسک بی معنی و بی مفهوم تقلیل یافت، باید صادقانه اعتراف کرد که کرزی متوجه این تهدید ها بود، به همین دلیل هم به جان کری گفت که اگر «بی امنیتی و جنگ بعد از امضای این قرار داد باز هم ادامه یابد مردم افغانستان شما را محکوم خواهند کرد»

۶- «صفحه ۵۴۲ : تمام این مباحث با وجود توافق هایی که به عمل آمد نتوانست شک و بد گمانی افغانستان را از بین ببرند، این شک را رئیس جمهوری امریکا در گفتگوهای اوایل همان سال در واشنگتن و مشاور امنیت ملی او در مورد روابط خارجی افغانستان موجب شده بودند، طبیعی است که تلاش برای بر گزاری کنفرانس هایی با شرکت نیروهای اپوزیسیون و فدرالیست های افغانستان در خارج از کشور نیز به این شک ها دامن زده بودند، به همین دلیل

کرزی از جان کری پرسید: « آیا شما به افغانستان این ضمانت را می دهید که بخشی از خاک ما را به پاکستان و یا طالبان تسلیم نمی کنید؟ » جان کری که متوجه شک دوام دار رئیس جمهور افغانستان شده بود، پاسخ گفت: « من می دانم که شما بد گمان می کنید امریکا دارای برنامه ای دیگری در این منطقه است و در افغانستان توطئه می کند اما من به شما تعهد و اطمینان می دهم که ما چنین برنامه ای نداریم و ما می خواهیم به شما کمک کنیم.

«رئیس جمهور کرزی در پاسخ جان کری گفت: « برای مردم افغانستان مقدار پولی که شما کمک می کنید اهمیت اساسی ندارد، مردم ما خواهان امنیت استند و می خواهند تا به حق حاکمیت ملی ما احترام گذاشته شود. ما یکی از رهبران طالبان پاکستان را برای همکاری با افغانستان بسیج کردیم، نیروهای شما وی را از نزد نیروهای افغانستان ربودند. من به عنوان رئیس جمهور افغانستان از شما خواستم تا وی را به افغان ها تسلیم کنید و شما از این کار ابا ورزیدید. شما باید به حق حاکمیت ما احترام بگذارید. این شخص لطیف الله محسود، خواهر زاده رهبر پیشین تحریک طالبان پاکستانی بود، وی را امنیت ملی افغانستان برای تحقق اهدافی و خدمت به صلح جلب کرده بود، وی چند بار با مسئولان امنیت ملی افغانستان گفتگو کرده بود، امریکایی ها هم در جریان این گفتگو ها قرار داشتند اما مدیریت این رابطه در دست امنیت ملی افغانستان بود. امریکایی ها این بار از تاریخ ملاقات مجدد با وی اطلاع حاصل کرده بودند، در حالی که وی در همراهی با کار مندان امنیت ملی جانب کابل در حرکت بود در نزدیکی های لوگر قوای امریکا وی را دستگیر کردند و علی رغم تقاضا های مکرر مقامات افغانستان به شمول رئیس جمهور کشور ما وی را به افغان ها تسلیم نکردند»

۷- «صفحه ۵۴۳: این رفتار امریکایی ها برای ما بسیار آموزنده بود در حالی که امریکایی ها ملا برادر را بعد از دستگیری به مقام های پاکستانی تسلیم داده بودند، لطیف الله محسود این تبعه پاکستانی را از دست امنیت ملی ما ربودند، طبیعی است که چنین اعمالی هر روز بیشتر از پیش روابط ما را خدشه دار می ساخت و موجب بی اعتمادی بیشتر می شد. این شهروند پاکستانی در دوران حکومت وحدت ملی به پاکستانی ها تسلیم داده شد. من در مصاحبه ای با تلویزیون طلوع و انتشار مقاله ای در روز نامه ای هشت صبح به این اقدام امریکایی ها به مثابه اقدامی علیه امنیت ملی افغانستان و نقض حاکمیت ملی کشور ما اعتراض کردم»

۸- «صفحه ۵۴۴ در تیم رئیس جمهور افغانستان کسانی بودند که در پی گسستن رابطه با ایالات متحده بودند، به دلیل اینکه دفاع علنی از طالبان و پاکستان ممکن نبود، آنان در تلاش بودند که زیر نام صلح طلبی و پایان دادن به قانون شکنی های امریکایی ها و بی احترامی های آنان به حاکمیت افغانستان عملاً زمینه سقوط نظام را بسود طالبان فراهم کنند، اما جانب امریکایی نیز بدنبال اجرای ستراتیژی ای بود که عملاً سلطه نرم پاکستان را در کشور ما در پی داشت»

۹- «صفحه ۵۵۷ و ۵۵۸: کرزی از اینکه جامعه جهانی در افغانستان موجب امنیت و ثبات در افغانستان نشده است، نگران بود و این امر را نیز با صراحت با رئیس جمهور امریکا دو باره تذکر داد، وی به او باما گفت: «مردم افغانستان از خود می پرسند که ایا با وجود قرار داد امنیتی مداخله همسایه های ما ادامه خواهد یافت؟ آیا پاکستان به مداخلات خود در کشور ما ادامه خواهد داد؟ ایا حملات پاکستان و راکت زنی های آنان به کشور ما ادامه خواهد یافت؟ همه روزه از داخل پاکستان به افغانستان را کت شلیک میشود، اما ایالات متحده حتا این امر که از آن طرف

دیورند، پاکستان به خاک ما راکت میزند را نیز قبول نمی کند. امریکا نباید در این تقابل بیطرف باشد هر روز سربازان شما در داخل افغانستان کشته میشوند. مردم افغانستان بر این باور اند که شما هم با جانی و هم با قربانی همراهی میکنید.

مردم افغانستان نا راحت اند ما باید در برابر پاکستان خط های سرخ خود را داشته باشیم این خط های سرخ کجایند؟ رئیس جمهور امریکا در پاسخ کرزی به تکرار همان تحلیل های غیر واقع بینانه که کار شناسان امریکایی و انگلیسی و رسانه های این دو کشور و برخی از کشور های غربی در مورد اینکه علت اصلی بحران افغانستان حکومت داری بد است، پرداخت. تحلیل ها را نه تنها تحلیل گران امریکایی و پول بگیران افغانی آن ها در رسانه های ما و خبر چینان آن کشور در نهاد های دولتی و در میان اپوزیسیون تکرار می کردند بل که بزرگترین مدافع و مبلغ این تز، دوکتور اشرف غنی همکار نزدیک کرزی بود»

زکر چند نکته ای از کتاب «سیاست افغانستان، روایتی از درون» به قلم محترم آقای دوکتور رنگین داد فر سپنا، به این ملاحظه پیش کش خوانندگان محترم سایت «وزین آریانا افغانستان آنلاین» می شود که نویسنده ای گرامی بنابر سطح بلند آگاهی سیاسی و تجارب کار در مقام وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی افغانستان و از همه مهمتر داشتن احساس میهن پرستی و مردم دوستی با نهایت واقع گرایی آنچه خود به نفع کشورش عمل کرده و یا شاهد گفتار و کردار دیگران بوده به صورت شفاف به آن پرداخته و مفصلاً آن همه اطلاعات را در اختیار مردم خود قرار داده که تا باشد یک مقدار به بسی دروغ ها و شایعه پراگنی ها پایان داده شود.

خواندن این کتاب برای کسانی که به مسایل سیاسی علاقه و سرو کار داشته، بخصوص آنهای که از موضع سیاسی با قلم و نوشتن سر و کار دارند مطالعه و داشتن آن به حیث یک ماخذ معتبر بسیار با اهمیت دیده می شود.

پایان

